

چهارم

فصل

آثار ازدواج

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود بتواند:

۱- علت دخالت دولت در تنظیم روابط زن و شوهر را بیان کند.

۲- روابط غیرمالی زن و شوهر را توضیح دهد.

۳- حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر را توضیح دهد.

۴- حقوق و تکالیف شوهر را توضیح دهد.

۵- روابط مالی زن و شوهر را شرح دهد.

۶- مهریه را تعریف کند.

۷- مشخصات مهریه را توضیح دهد.

۸- اقسام مهریه را نام ببرد و تعریف کند.

۹- نفقه را تعریف کند و شرایط قطع آن را شرح دهد.

۱۰- جهیزیه را تعریف کند.

مقدمه: پس از آنکه زن و مردی توافق و رضایت صریح خود را برای تشکیل زندگی مشترک اعلام کردند و عقد ازدواج به درستی واقع شد، به حکم قانون برای زن و شوهر حقوق و تکالیفی ایجاد می‌شود. همانطور که گفته شد، ازدواج بر پایهٔ علاقه و محبت و روابط عاطفی برقرار می‌شود و زن و شوهر با کمک یکدیگر زندگی خانواده را اداره می‌کنند و با فداکاری تلاش می‌کنند فرزندان شایسته به جامعه تحویل دهند. در نتیجه، قواعد خشک و آمرانهٔ حقوقی قادر به تنظیم روابط عاطفی زن و شوهر نخواهد بود. همانطور که قانون قادر نیست مردی را به زور وادار به دوست داشتن همسرش کند یا

زنی را مجبور نماید که در زیر یک سقف با مردی زندگی کند که نسبت به او هیچ‌گونه علاقه‌ای ندارد و یا پدر و مادر را وادار کند که فرزندان خود را رها سازند، زن و شوهر هم اگر قرار باشد برسر حقوق و تکالیف قانونی خود مدام با یکدیگر بحث و جدال کنند و مانند کارگر و کارفرما در مقابل هم بایستند، خانواده مفهوم خود را از دست خواهد داد. بنابراین، حقوق خانواده تنها قواعد خشک و بی‌روح حقوقی نیست بلکه نشأت گرفته از اخلاق و سنت‌ها و آرمان‌های مذهبی و عرف و عادت و فرهنگ یک جامعه است و دخالت دولت در تنظیم روابط زن و شوهر، بواسطه جنبه اجتماعی نهاد خانواده است. زیرا ازدواج تنها به زن و شوهر محدود نمی‌شود بلکه فرزندان ناشی از ازدواج را نیز در برمی‌گیرد و چون خانواده هسته مرکزی اجتماع و پایه آن است، وجود خانواده‌های مستحکم و با ایمان سبب استحکام جامعه و برقراری نظم و امنیت در اجتماع خواهد شد. از این رو به سبب اهمیت نهاد خانواده، قانونگذار در تنظیم روابط زن و شوهر مداخله کرده و نظم آن را خود به عهده گرفته است. علاوه بر این که شرایط و موانع خاصی برای نکاح مقرر شده، آثار نکاح را نیز تعیین کرده است، به طوری که اراده افراد نمی‌تواند این آثار را تغییر دهد. مثلاً زن و شوهر نمی‌توانند راجع به ولایت بر اطفال با یکدیگر توافق کنند و یا توافق کنند ریاست خانواده به زن واگذار شود. قانون مدنی مقرر می‌دارد «همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

ازدواج از جمله قراردادهایی است که دارای دو جنبه مالی و غیرمالی است.

نفقه و مهریه از جمله امور مالی و همکاری زن و شوهر در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان از جمله امور غیرمالی است.

در روابط مالی زن و شوهر، شوهر مکلف است که مهریه همسر خود را بپردازد و زن می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند. شوهر موظف است مخارج زندگی همسر و خانواده خود را در حدود متعارف و با توجه به وضعیت اجتماعی همسر تأمین کند و زن قانوناً وظیفه ندارد در تأمین مخارج زندگی مسئولیتی برعهده بگیرد. مگر آنکه خود بخواهد. حتی زن موظف به آوردن جهیزیه به خانه شوهر نیست و اگر جهیزیه با خود به خانه شوهر ببرد به ملکیت شوهر در نمی‌آید و متعلق به خود اوست. در روابط غیرمالی تکالیف بیشتر به عهده زن است و حقوق متعلق به شوهر. در عمل، تعیین مرزی بین حقوق و تکالیف زن و شوهر کاری است مشکل و بیهوده، زیرا روابط عاطفی زن و شوهر مرزی نمی‌شناسد. زندگی خانوادگی تنها در صورتی موفق و قرین خوشبختی است که زن و شوهر با کمک یکدیگر و با علاقه و محبت، مشکلات زندگی را از پیش پا بردارند. همچنین با از خودگذشتگی و دیگرخواهی، فرزندان

شایسته و برومند تربیت کنند. بنابراین، بحث از حقوق و تکالیف زناشویی، تنها شناساندن حدود حقوق و تکالیف زن و شوهر و روشن کردن پاره‌ای از مفاهیم مصطلح است. با توجه به اینکه اساس تشکیل خانواده بر پایه مودت و علاقه و روابط عاطفی و انسانی زن و مرد استوار است، ابتدا روابط غیرمالی زن و شوهر و سپس روابط مالی آنها را بررسی می‌کنیم.

۱-۴- روابط غیرمالی زن و شوهر

در روابط شخصی زن و شوهر، ابتدا تکالیفی را که زن در مقابل شوهر دارد و سپس تکالیف مشترک زن و شوهر و بالاخره تکالیف شوهر بر خانواده را مورد بحث قرار می‌دهیم.

الف) تکالیف زن نسبت به شوهر: تمکین از تکالیف مخصوص زن نسبت به شوهر است.

تمکین در لغت به معنی تن در دادن است و از نظر حقوقی، دارای دو معنی عام و خاص است.

اصولاً تمکین به حسن اخلاق و روابط صمیمانه زن و شوهر مربوط می‌شود. تمکین به معنی عام یعنی اینکه زن ضمن انجام وظایف خود نسبت به همسر ریاست شوهر را در اداره امور مالی و اخلاقی خانواده و تربیت فرزندان بپذیرد و در حدود قانون و به طور متعارف از او اطاعت کند. همچنین زن باید در رفت و آمدها و معاشرت‌ها و دوستی‌ها نظر شوهر را مراعات کند. «شوهر می‌تواند، برای حفظ مصالح خانواده معاشرت‌های زن و رفت و آمدهای او را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید کند بازدارد، ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون اینکه دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا انجام فرائض دینی یا تکالیف اجتماعی باز دارد.»^۱

توقعات شوهر از زن باید در حدود متعارف باشد و در صورتی که زنی بدون هیچ دلیلی از همسر خود تمکین نکند، در اصطلاح حقوقی وی را «ناشزه» می‌نامند. زن ناشزه حق مطالبه نفقه از همسرش را ندارد و مرد می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و الزام او را به تمکین بخواهد. هرچند، هرگز نمی‌توان به زور و به حکم قانون زنی را وادار به اطاعت از شوهر خود کرد. در حقیقت، اخلاق موجب تمکین زن از مرد است نه قانون؛ و عشق و علاقه زن و مرد، ضامن سلامت و خوشبختی خانواده است.

قانون مدنی مقرر می‌دارد «هرگاه زنی بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود» بنابراین، اگر زن از ترس وارد آمدن ضرر مالی و جانی و ناموسی از خانه شوهر بیرون رود و مراتب را به اطلاع مراجع قضایی نیز برساند، حق مطالبه نفقه را خواهد داشت. عدم

۱- دکتر کانونیان، حقوق خانواده، ص ۲۳۹

تمکین زن تنها در صورتی مشخص می‌شود که بدون دلیل موجهی خانه را ترک کرده باشد. آموزش حقوق خانواده به منظور راهنمایی خانواده‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز با حفظ احترام و حقوق متقابل، سبب جلوگیری از گسترش فرهنگ خشونت علیه زنان خواهد شد.

تمکین به معنی خاص مربوط به رابطه زن و شوهر است، انسان در عین حال که یک موجود اجتماعی است یک موجود زیستی نیز هست و بدین لحاظ دارای علایق و تمایلات جنسی است که باید ارضاء شود. قانونگذار زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت کرده است.

ب) حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر : یادآوری می‌کنیم که حقوق قادر نیست به درون خانواده نفوذ کند و جزئیات روابط زن و شوهر را تنظیم کرده و صفا و صمیمیت و محبت و گذشت و وفاداری و ... را بین آنان ایجاد کند. بلکه این اخلاق و فرهنگ، عرف و مذهب و عادات و رسوم اجتماعی است که رفتار متقابلی برای زن و شوهر مقرر داشته است. مقررات حقوقی، رفتار متعارف را در قانون عنوان کرده تا در صورت بروز اختلاف بین زن و شوهر، به آنان یادآوری کند که در مقابل یکدیگر چه حقوق و تکالیفی دارند.

مطابق قانون مدنی حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر به قرار زیر است :

۱- حسن معاشرت

۲- سکونت مشترک

۳- معاضدت و همکاری در تحکیم مبانی خانواده و تربیت اولاد

۱- حسن معاشرت : اسلام توصیه می‌کند که «در خانه باید بین زن و مرد عشق و علاقه حاکم باشد، مرد آرامش زن و زن آرامش مرد است.»

هنگامی که زن و مردی ازدواج می‌کنند، در حقیقت، پیمان می‌بندند که در غم و شادی، سلامتی و بیماری، شریک یکدیگر و در همه مراحل زندگی، غمخوار و پشتیبان هم باشند. درست است که زن و مردی که ازدواج می‌کنند، دارای دو فرهنگ و دو شخصیت متفاوت هستند و ممکن است در بسیاری از موارد با یکدیگر اختلاف نظر و سلیقه داشته باشند، لیکن با کمی گذشت که لازمه زندگی خانوادگی است، می‌توانند اختلاف نظرها را کنار گذاشته و با هم هم‌عقیده شوند. تعادل در زندگی مشترک، هنگامی به وجود می‌آید که روابط دوسویه زن و شوهر بر پایه‌های عاطفی، عقلایی و اخلاقی استوار باشد. از این رو، زن و شوهر مکلف به خوشرفتاری و احترام دوطرفه هستند. هرچند مفهوم حسن رفتار و معاشرت، با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم خانواده‌ها و اقوام و اجتماعات مختلف تفاوت دارد. اما، همه‌جا بی‌اعتنایی به همسر، ناسزاگویی، تحقیر، ترک خانه بدون دلیل، کتک زدن و

آزار روانی و جسمی، توهین به شمار می‌رود و از مصادیق سوء معاشرت است. متأسفانه در مواردی مردان به علت عدم احساس مسئولیت و نداشتن اخلاق اسلامی و تربیت و فرهنگ صحیح، احساس برتری کرده و اعمال خشونت نسبت به زن را جزئی از حقوق طبیعی و بدیهی خود می‌دانند. از طرف دیگر، ناآگاهی زنان از حقوق فردی و اجتماعی خود نه تنها عامل زبونی زن در خانواده شده بلکه آنان در نقش مادر، با قبول فرهنگ غلط خشونت و زورگویی همسر، این فرهنگ را به فرزندان نیز القا می‌کنند. در خانواده‌ای که خشونت و توهین و بی‌احترامی جانشین عشق و علاقه و احترام متقابل شود، تعادل زندگی مشترک به هم خورده و در نهایت کانون خانواده از هم می‌پاشد.

قانون مدنی مقرر می‌دارد «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»^۱ هرچند این ماده قانونی بیشتر جنبه اخلاقی دارد، لیکن الزام قانونی آن در موردی که سوء معاشرت از جانب زن باشد، منجر به محرومیت زن از گرفتن نفقه می‌شود و در صورتی که سوء رفتار مرد در حدی باشد که زندگی را برای زن غیرقابل تحمل سازد، او حق دارد از دادگاه درخواست طلاق کند.

۲- سکونت مشترک : گفتیم که هدف از ازدواج و تشکیل خانواده، پاسخ به غریزه و فطرت ایجاد کانونی امن و آرام، برقراری عشق و مودت، داشتن فرزند، حفظ عفت و اخلاق حسنه و کمک به رشد و تکامل زن و شوهر است. رسیدن به این اهداف با جدایی زن و شوهر امکان‌پذیر نیست^۲، از نظر قانونی زنی که از ایفای وظیفه زناشویی خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود. شوهر مکلف است زنش را در خانه خود بپذیرد و یا مسکنی برای او تهیه کند، و زن مکلف است در خانه شوهر زندگی کند مگر اینکه در مورد سکونت در مسکن جداگانه با یکدیگر توافق کرده باشند. از طرف دیگر در صورتی که مرد ترک خانه کند و خانواده را رها سازد و حاضر به سکونت مشترک با زن نباشد، زن می‌تواند درخواست طلاق کند.

۳- معاضدت و همکاری در تحکیم مبانی خانواده و تربیت اولاد : قانون مدنی مقرر می‌دارد «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت نمایند.» زن و شوهر باید در اداره امور زندگی با یکدیگر همکاری کنند و با کمک و همکاری هم، مسئولیت تربیت و نگهداری فرزندان را به عهده بگیرند و زمینه مساعدی برای رشد جسمی و معنوی آنان فراهم آورند. البته این تکلیف نیز مانند وظیفه حسن معاشرت، مفهومی عرفی است و با توجه به عرف و عادت و مقتضیات زمان و مکان تعیین می‌شود.

۱- ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی

۲- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد اول، ص ۲۱۴

در هر صورت، زن و شوهر مکلف هستند در هنگام بیماری و درماندگی و گرفتاری از یکدیگر مراقبت کنند و یار و غمخوار هم باشند و طبعاً، وظیفه‌ای که زن و شوهر در قبال یکدیگر و فرزندان برعهده دارند وظیفه‌ای اخلاقی است.

عدم رعایت تکلیف معاضدت و همکاری در تحکیم مبانی خانواده نیز سوء معاشرت و رفتار محسوب می‌شود و دارای همان آثار قانونی خواهد بود.

وفاداری زن و شوهر نسبت به یکدیگر امری بدیهی است و به همین جهت، قانون مدنی در این مورد ساکت است. در فرهنگ ما روابط آزاد بین زن و مرد زشت و ناپسند و ممنوع است و خیانت یکی از همسران، گذشته از آنکه از نظر اخلاقی و اجتماعی بسیار زشت و ناپسند است، از لحاظ دینی نیز، از گناهان کبیره است. این کار هم از نظر دینی و هم قانونی دارای مجازات سختی است. زن و مردی که پیوند ازدواج می‌بندند، بار مسئولیتی بزرگ به عهده می‌گیرند و از بسیاری از هوس‌ها و علائق شخصی خود چشم می‌پوشند و لذت معنوی و رضایت خاطر خود را در تأمین رفاه و سعادت دیگری جستجو می‌کنند. از این رو وفاداری همسران لازمه تحکیم مبانی و وحدت خانواده است.

ج) روابط خانوادگی: روابط خانوادگی میان زن و شوهر، پدر، مادر و فرزندان باید گرم و آرام‌بخش باشد، زیرا زن و مردی که ازدواج می‌کنند پیمان می‌بندند که در غم و شادی، سلامتی و بیماری شریک یکدیگر باشند، به افکار و عقاید یکدیگر احترام بگذارند و رفتارشان در قبال یکدیگر به گونه‌ای باشد که عشق و محبت، احترام، انسانیت، ادب و درستی را به فرزندان خود بیاموزند و سرمشقی شایسته برای نسل آینده باشند. اما این روابط ممکن است به شکل آرمانی نباشد و محل بروز خشونت و اختلاف و تنش باشد. رویه ناخوشایند خانواده، دارای جنبه‌های متعددی است که از جمله مخرب‌ترین آنها نسبت به بنیان خانواده، خشونت خانوادگی است.

تأثیر خانواده بر کودک: محیط خانوادگی تأثیر مهمی بر تربیت کودکان دارد. مراقبت و حمایت از فرزندان یکی از دشوارترین مسئولیت‌هایی است که والدین در زندگی برعهده دارند. بسیاری از زن و شوهرها آمادگی لازم برای پدر و مادر شدن ندارند. برخی از مردم دچار مشکلات عاطفی یا فشارهای شدید روانی، اجتماعی و اقتصادی هستند که مانع از آن می‌شود که والدین خوب و شایسته‌ای باشند. بسیاری از والدین خود در خانواده تربیت نشده‌اند و سرمشق مناسبی نداشته‌اند و در نتیجه شایستگی فرزندپروری و تربیت فرزندان خود را ندارند.

مطالعات نشان می‌دهد خانواده‌هایی که دارای اختلاف و تنش هستند، خانواده‌هایی که گرفتار مشکلات خود هستند و مراقبت و تربیت فرزندان خود را فراموش کرده‌اند و با سهل‌انگاری خود نظارتی

بر فرزندان خود ندارند و یا با سختگیری بیش از حد عرصه را بر آنان تنگ می‌کنند، یا خانواده‌های دچار سوء رفتار و خشونت، انحراف، اعتیاد و بزهکاری که رفتار و کردار خود را به کودکان خود منتقل می‌سازند، زمینه را برای افسردگی، فرار، اعتیاد، انحراف و بزهکاری کودکان خود فراهم می‌سازند.

بحث گروهی

– برخورداری از آرامش و امنیت یکی از حقوق مهم انسان است. به نظر شما خشونت در خانواده چه تأثیراتی بر افراد خانواده دارد؟
به‌طور گروهی فهرستی تهیه کنید و همه مواردی که به ذهن شما می‌رسد را بنویسید و سپس درباره آنها گفت و گو کنید.

د) خشونت در خانواده: وجود خشونت در خانواده آثار مخربی بر رشد روانی، عاطفی و جسمانی کودکان دارد و منجر به بدرفتاری آنان می‌گردد.

کودکانی که مورد بی‌توجهی یا سوء رفتار فیزیکی والدین خود قرار می‌گیرند، این برخورد خشن، عواقب خطرناکی را برای رفتار آنان در آینده به همراه خواهد داشت. حتی خشونت جزئی نسبت به کودک ممکن است منجر به مرگ وی شود. خشونت به‌طور عمده پنهان انجام می‌شود. به نظر می‌رسد که بین آن دسته از کودکانی که صرفاً شاهد خشونت درون خانوادگی هستند با کودکان قربانی این نوع خشونت، تفاوت چندانی وجود نداشته باشد.

سوء رفتار با کودک اصطلاح عامی است که هم شامل بی‌توجهی و هم شامل کتک‌زدن شدید می‌شود. سوء رفتار با کودک معمولاً به عنوان یک الگوی رفتاری مدنظر قرار می‌گیرد و نه یک مورد کتک زدن یا بی‌توجهی. هرچه مدت استمرار سوء رفتار بیشتر باشد آثار آن بر کودک وخیم‌تر خواهد بود.

هرچند واژه‌های سوء رفتار و بی‌توجهی گاهی اوقات به جای یکدیگر به کار می‌رود، اما بی‌توجهی بیشتر حالت انفعالی دارد و به محرومیت‌هایی اطلاق می‌شود که کودک از سوی والدین خود تحمل می‌کند نظیر: فقدان غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت بهداشتی و عشق و محبت. اما سوء رفتار مشکل واضح‌تری از خشونت جسمی نسبت به کودک است و بدترین حادثه در مورد کودک آزاری بدرفتاری منجر به مرگ کودک است.

ه) پیامد خشونت خانوادگی: بدرفتاری با کودکان آنها را تشویق می‌کند تا از پرخاشگری

به‌عنوان ابزار حل مشکلات استفاده کنند و مانع از احساس دل‌بستگی و همدردی دیگران می‌شود. پرخاشگری، رفتارهای ضد اجتماعی، اعتیاد، فرار، افسردگی، خودکشی و بزهکاری را می‌توان از پیامدهای خشونت در خانواده دانست.

و) حقوق و تکالیف شوهر

۱- سرپرستی و ریاست شوهر بر خانواده: قانون مدنی ما، بر ایجاد کانون خانوادگی گرم و آرامی تأکید دارد که اساس آن، بر سرپرستی و ریاست شوهر و پدر در خانواده استوار باشد. با توجه به اینکه هر اجتماعی باید یک سرپرست داشته باشد تا کارها را هماهنگ سازد و مشکلات را از پیش با بردارد و تصمیم نهایی را بگیرد، خانواده هم به‌عنوان کوچکترین واحد اجتماع، نیاز به سرپرستی دلسوز دارد که برای حفظ منافع و مصالح خانواده تلاش کند و در صورت بروز اختلاف سلیقه در مورد مسائل زندگی، نظر نهایی را بدهد. از قدیم، در خانواده‌های ایرانی برحسب عرف و عادت و سنت، همواره ریاست خانواده با مرد بوده و اعمال ریاست بر خانواده بستگی به تربیت خانوادگی و فرهنگ و میزان پایبندی به اصول اخلاقی و مذهبی آنان داشته است. معمولاً مردان بافضیلت به توصیه دین مبین اسلام کانون خانواده را با آرامش و بر مبنای عشق و محبت و احترام به زن و فرزند سرپرستی می‌کنند و زنان با عاطفه و پاکدامن ایرانی، برحسب عرف و عادت زمان، خود را مقید به قبول نظر و عقیده همسر می‌دانستند. البته معمولاً در خانواده‌ها بار هزینه خانواده بر دوش مردان بود و زنان مسئولیتی در اداره امور اقتصادی خانواده نداشتند. همچنان که هنوز هم هزینه زندگی بسیاری از خانواده‌ها در شهر و روستا بر عهده مردان است و قانون هم نفقه و تأمین مخارج زندگی را بر عهده مرد گذاشته است. لیکن اصولاً در خانواده‌ای که زن و شوهر زندگی خود را بر پایه عشق و محبت و تفاهم و همکاری بنا نهاده باشند، هیچ‌یک بر دیگری ریاستی ندارد و هر یک سعی می‌کند با کمک کردن به دیگری اداره قسمتی از زندگی را بر عهده بگیرد. از این رو پا به پای هم در خانه، در مزرعه، در کارخانه و یا ادارات و شرکت‌ها برای رفاه و سعادت یکدیگر و فرزندان کار و تلاش می‌کنند و ریاست مرد و اطاعت زن از شوهر جای خود را به مشارکت و همکاری زن و شوهر داده است.

علیرغم تحولات اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن سطح سواد و آگاهی زنان و مردان، قانون مدنی حتی در مواردی که شایستگی زن بیش از مرد باشد، صلاحیت مردان را برای عهده‌دار شدن مسئولیت ریاست خانواده بیشتر دانسته و مقرر کرده است «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است.»^۱ ریاست مرد بر خانواده دارای آثار و نتایجی است.

۱- ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی

— آثار و نتایج ریاست و سرپرستی شوهر بر خانواده

آثار ریاست شوهر بر خانواده از قرار زیر است :

۱— تمکین : در خصوص مفهوم تمکین، قبلاً بحث شد. نتیجه ریاست مرد بر خانواده این است که در اختلاف سلیقه‌ها، زن باید نظر شوهر را بپذیرد. البته مرد نباید از اختیار خود سوءاستفاده کند و باید با در نظر گرفتن مصلحت خانواده با همسر خود نیز مشورت کند.

۲— تعیین مسکن خانواده : قانون مدنی مقرر کرده «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.»^۱ بنابراین، محل سکونت خانواده را مرد تعیین می‌کند و زن تابع اراده اوست، لیکن زن و شوهر می‌توانند هنگام عقد یا پس از آن محل سکونت را با توافق یکدیگر انتخاب کنند یا تعیین آن را به زن واگذار کنند.

۳— مخالفت شوهر با شغل زن : قانون مدنی می‌گوید : «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند.»

به موجب این ماده قانون، شوهر می‌تواند زن خود را از کاری که با مصالح خانوادگی یا حیثیت زن یا شوهر سازگاری نداشته باشد، منع کند. البته مفاهیم مصالح خانوادگی و حیثیت زن و شوهری، مفاهیمی است که عرف جامعه و وضع خاص هر خانواده، ضابطه آن را تشخیص می‌دهد. هدف از وضع این قانون، این بوده که در مواردی که شغل زن مشکلاتی در اداره خانه و تربیت فرزندان ایجاد می‌کند، شوهر بتواند به عنوان سرپرست خانواده و مسئول حفظ مصالح فرزندان، همسرش را از ادامه کار بازدارد.

۴— ولایت بر فرزندان : نگاهداری و تربیت فرزندان یک خانواده، وظیفه پدر و مادر است اما تا زمانی که فرزندان به سن قانونی نرسیده باشند، اداره دارایی آنها با پدر است و مادر هیچگونه اختیاری در این مورد ندارد. مفهوم ولایت با حضانت متفاوت است. حضانت یا نگهداری طفل، با پدر و مادر است و در صورت فوت یکی از آنان به طور مستقل با دیگری است.

۵— نام خانوادگی : از زمانی که همه مردم دارای شناسنامه شدند، دختری که ازدواج می‌کند، می‌تواند نام خانوادگی شوهر را به تنهایی یا در کنار نام خانوادگی خود به کار ببرد. مرسوم این است که در مکاتبات اداری زنان شوهردار با نام خانوادگی خودشان نامیده شوند.

۶— تابعیت : قانون مدنی می‌گوید «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.» طبق این قانون، هرگاه زن ایرانی

۱- ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی

بخواهد با مردی خارجی ازدواج کند، اولاً نباید موانعی را که برای ازدواج برشمرديم داشته باشد و ثانياً باید اجازه مخصوصی تحت عنوان «پروانه زناشویی» از وزارت کشور بگیرد. البته با توجه به اینکه دین رسمی اکثریت ایرانیان اسلام است، اگر زن مسلمانی بخواهد با مرد غیرمسلمان (اعم از ایرانی یا خارجی) ازدواج کند، قبل از هر چیز مرد باید به دین اسلام مشرف شود تا مانع قانونی در راه ازدواج وجود نداشته باشد.

قانون ایران بین مردی که زن خارجی با مردی ایرانی ازدواج کند با مردی که زن ایرانی با مردی خارجی ازدواج کند تفاوت قائل شده است. طبق قانون «هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند تبعه ایران محسوب می‌شود و برای مشخص شدن این تابعیت شناسنامه ایرانی برای وی صادر خواهد شد.» این تابعیت تحمیلی محسوب می‌شود. یعنی به صرف ازدواج، زن خارجی به تابعیت ایران درمی‌آید و از کلیه حقوقی که قانون برای ایرانیان شناخته بهره‌مند می‌شود. یعنی می‌تواند در ایران دارای شغل باشد، اموال غیرمنقول داشته باشد و یا در انتخابات شرکت کند. تابعیت ایرانی چنین زنی با پایان گرفتن ازدواج (مرگ شوهر یا طلاق و جدایی) پایان می‌پذیرد. البته در مواردی که رابطه ازدواج در اثر مرگ شوهر به هم بخورد و زن فرزند یا فرزندی داشته باشد، تا زمانی که سن آنها به ۱۸ سال تمام نرسد، زن خارجی نمی‌تواند از حق بازگشت به تابعیت اول خود استفاده کند.

در مورد ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، قانون مدنی مقرر کرده است: که چنین زنی به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه تحمیل تابعیتی در این خصوص از طرف قانون کشور متبوع شوهر (مثل قانون ایران) پیش‌بینی شده باشد. در این صورت، زن ایرانی خود به خود در اثر ازدواج از تابعیت ایران خارج می‌شود. اما اگر تابعیت شوهر بر زن تحمیل نشود، تابعیت ایرانی وی همچنان برقرار می‌ماند تا موجب بی‌تابعیتی او نشود. البته در این حالت، اگر زن ایرانی پس از ازدواج با مرد خارجی بخواهد برای حفظ وحدت خانواده به تابعیت شوهر درآید، می‌تواند با ارائه مدارک مربوط به ازدواج و تحصیل تابعیت جدید، از تابعیت ایران خارج شود.

۲-۴- روابط مالی زن و شوهر

قانون مدنی مقرر می‌دارد «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد، بکند» روابط مالی زن و شوهر را تحت عناوین مهر، نفقه و جهیزیه مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

الف) مهر: مهر یکی از رسوم باستانی ایران است. دین اسلام نیز مهریه را به رسمیت شناخته و همچنین استقلال اقتصادی زن را نیز پذیرفته است. از این رو حق مالکیت زن بر مهر، حقی است معتبر

و شناخته شده که در قانون مدنی ایران مورد تأکید و توجه قانونگذار قرار گرفته است.

۱- **تعریف مهر:** مهر یا صدق عبارت از مالی است که به سبب وقوع عقد نکاح، شوهر به مالکیت زن در می‌آورد یا پرداخت آن را به محض مطالبه زن بر عهده (ذمه) خود می‌پذیرد. هر چند در عمل، مطالبه مهر در دوران ازدواج مرسوم نیست. در قوانین ما، حقوق و تکالیف زن و شوهر یکسان نیست و طبق قانون، اختیار طلاق به طور مطلق در دست شوهر بود که بعد از اصلاح قانون به شرح زیر است:

«مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید^۱». با وجود آنکه قانونگذار اختیار طلاق را به صورت مطلق محدود نموده است، اما خانواده‌ها وجود مهریه را به عنوان تضمین بقای ازدواج برای زن لازم می‌دانند.^۲ همچنین زن می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹) و (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون از دادگاه تقاضای طلاق نماید^۲.

قانونگذار اجازه داده قبل از هرگونه تصرفی در ارضیه متوفی، مهریه زن پرداخت شود. در این صورت ممکن است با پرداخت مهریه موقعیت مالی زن در زمینه ارث تا حدودی جبران شود یا در صورت ورشکستگی شوهر، زن می‌تواند از مراجع قضایی تقاضا کند که مهر او را از اموال مرد کنار بگذارند. قانونگذار پرداخت مهر زن را در اولویت قرار داده است و به این ترتیب زن می‌تواند با وصول مهر خود در غیاب شوهر یا ورشکستگی وی، زندگی خود را اداره نماید.

۲- **مشخصات مهر:** قانون مدنی مشخصات مهر را اینگونه بیان کرده است:

۱- مهر باید ارزش مالی داشته و قابل تملک نیز باشد.^۳ یعنی هر چیزی را که بتوان آن را با پول یا جنس دیگری معاوضه کرد، می‌توان مهر قرار داد. مثل سکه، خانه، زمین، باغ، پول نقد و ...

۲- مهر باید معلوم و معین باشد، یعنی زن و مرد به آن آگاهی داشته باشند. گاهی لازم است زن مهر را ببیند مثلاً ممکن است مهریه طلا یا آئینه شمعدان یا ملک باشد که زن باید آن را ببیند. در صورتی که جمله «مهریه به رؤیت زوجه رسید» در سند ازدواج ثبت شود، مفهومش این است که زن مهریه را رؤیت کرده است. در این صورت اگر اختلافی بین زن و شوهر بروز کند، زن نمی‌تواند ادعا کند که مهر صوری بوده و آن را رؤیت نکرده است.

حقوقدانان همواره توصیه می‌کنند قبل از امضای هر سند و نوشته‌ای ابتدا به دقت متن سند و

۱- ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی

۲- تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی

۳- ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی «مهر باید مالیت داشته باشد و قابل نقل و انتقال باشد.» از دیدگاه فقهی مهر می‌تواند به صورت کاری

باشد که شوهر برای زن انجام دهد مانند اینکه حرفه‌ای را به او بیاموزد.

نوشته خواننده و سپس امضا شود. آگاهی نسبت به متن نوشته‌ها و اسناد از بروز مشکلات و اختلافات بعدی چه در کانون خانواده و چه در زندگی اجتماعی جلوگیری می‌کند.

۳- زن و مرد باید با توافق یکدیگر مقدار مهر را تعیین کنند. بنابراین، زن نمی‌تواند بدون جلب رضایت مرد، مقدار مهر را معین کند. ممکن است در تعیین میزان مهر، خانواده عروس و داماد حتی در مواردی که آنها از سلامت عقل برخوردارند و به سن قانونی هم رسیده‌اند، دخالت کنند. در هر صورت، مهریه‌ای که مورد توافق قرار گرفته و در سند ازدواج نوشته شده بر عهده شوهر است و به زن تعلق می‌گیرد و نه به خانواده وی.

۴- اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین، نکاح باطل خواهد بود، نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

۵- به محض وقوع عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید و در صورتی که در قبالة ازدواج عبارت «عندالمطالبه» در مواردی که مهر پول یا طلا است، قید شود، زن می‌تواند هرگاه که بخواهد آن را مطالبه نماید. اما پرداخت مهر بستگی به رابطه زن و شوهر دارد و تا زمانی که عشق و علاقه و تفاهم و همزیستی بر روابط زن و شوهر حاکم باشد، زنان مطالبه مهر نمی‌کنند. اکثراً زن و شوهر یک عمر در کنار یکدیگر با هم زندگی می‌کنند و با مرگ یکی، ازدواج پایان می‌یابد. به همین سبب مطالبه مهر اغلب در مواردی مطرح می‌شود که بین زن و شوهر از نظر مالی جدایی وجود دارد و یا زن و شوهر قصد طلاق دارند.

به همین جهت، زن و مرد باید قبل از امضای سند ازدواج نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاهی داشته باشند و مردان با توجه به امکانات مادی و شرایط اقتصادی و اجتماعی، همسری کفو و هم‌شان خود انتخاب کنند تا در صورت لزوم، در موقع مطالبه زن قادر به تأدیه مهر وی باشند.

۳- «حق حبس» به عنوان ضمانت اجرای مهر: گفتیم که به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند آن را از شوهر مطالبه کند و در صورت امتناع شوهر، حتی می‌تواند با رجوع به دادگاه به طریق قانونی مهریه خود را طلب کند. به عنوان ضمانت اجرای این حق، قانون به زن حق داده تا زمانی که مهر خود را دریافت نکرده، از تمکین خودداری نماید. این حق به «حق حبس»^۱ معروف است.

حق حبس شروطی دارد:

شرط اول - مهر زن باید حال باشد یعنی مدت دار نباشد و به مجرد عقد، قابل وصول باشد،

۱- ماده ۸۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع

کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.»

بنابراین، اگر مدت دار باشد، حق حبس ندارد.
شرط دوم - در صورتی که زن قبل از دریافت مهر از شوهر تمکین کند، حق حبس او ساقط می‌شود منتهی حق مطالبه مهر از بین نمی‌رود.

شرط سوم - فرقی نمی‌کند که شوهر ثروتمند باشد یا نباشد. در هر صورت، زن حق حبس دارد.
شرط چهارم - در صورتی که زن از حق حبس خود استفاده کند و از همسرش تا وصول مهر تمکین نکند و از انجام وظایف زناشویی خودداری کند، «ناشزه» محسوب نمی‌شود و مستحق نفقه نیز هست.
«حق حبس زن در حقوق امروز، یک قاعده استثنایی است که به پیروی از فقه امامیه برای حمایت از حقوق زن پیش‌بینی شده و قانون آن را فقط برای زن ذکر کرده است.^۱» لازم به ذکر است که با توجه به اینکه عواطف انسانی و معنوی پایه و اساس عقد ازدواج و تشکیل خانواده است، بنابراین، قرارداد ازدواج قابل مقایسه با یک قرارداد تجاری نیست و به نظر می‌رسد وجود «حق حبس» در ازدواج صحیح نباشد. زیرا هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر تکالیفی دارند که با وقوع عقد ازدواج متعهد به انجام آن خواهند بود.

۴- اقسام مهر: قانون مدنی ایران از سه قسم مهر نام برده است.

۱- مهر المسمی^۲ - ۲- مهر المثل^۳ - ۳- مهر المتهه^۴

۱- مهر المسمی: مهري است که در سند ازدواج ثبت شده است و همانطور که گفته شد مهري بايد ماليت داشته و معلوم و معين باشد و غير عقلايي و غير شرعي هم نباشد. بنابراین، مهري به قرار دادن هزار تار مو یا زمینی در کره ماه صحیح نیست لیکن عقد نکاح صحیح خواهد بود.

۲- مهر المثل: در صورتی که زن و شوهری ضمن عقد در مورد میزان و نوع مهر به توافق نرسند و یا مهري معين کنند که فاقد اوصاف شرعي و قانوني باشد، در صورت انحلال نکاح، قانون مدني زن را مستحق مهر المثل می‌داند.

در صورتی که انحلال نکاح به علت فوت زن باشد، حق زن به ورثه او منتقل می‌شود.^۲ برای تعیین مهر المثل باید وضعیت زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات از جمله وضعیت فردی و تحصیلات وی نسبت به کسانی که از نظر اجتماعی و اقتصادی همشان او هستند، در نظر گرفته شود.

۱- صفائی - حسین، امامی - حقوق خانواده - جلد اول - انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۷۵ ص ۱۷۹

۲- مهر السنه: مقدار آن دو سست و شصت و دو مثقال و نیم پول نقره سکه دار است به مثقال صرافان که از قرار مثقالی ۱۵ ریال جمعاً

۳۹۳۷/۵۰ ریال است (دکتر لنگرودی ص ۷۰۲)

۳- ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی

۳- **مهرالتمتع**: اگر مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر پیش از تعیین مهر و پیش از آمیزش، بخواهد زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالتمتع است.^۱ برای تعیین مهرالتمتع، حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.^۲

تذکر: در صورتی که زن نمی‌خواهد موقع عقد ازدواج دائم مهر تعیین کند، بهتر است جای مهر را در سند ازدواج خالی بگذارد و ذیل صفحه‌ی مربوط به آن را امضا نکنند و یا در صفحه‌ی مهریه نوشته شود «مهر تعیین نشده است». زیرا در صورتی که در صفحه‌ی مهریه نوشته شود مثلاً چند شاخه نبات، در این صورت زن نمی‌تواند از حق خود نسبت به مهرالمثل و مهرالتمتع استفاده کند.^۳

مطالعه آزاد

تذکر: مهرالتمتع و مهرالمثل در موردی معین می‌شود که یا در عقد ذکر می‌شود یا در مهر نشده باشد یا تراضی طرفین در باب مهرالمسمی باطل اعلام شود و از این حیث باهم شباهت دارند. ولی میان آنها سه تفاوت اساسی وجود دارد:

۱- در تعیین مقدار مهرالمثل صفات و حال زن ملاک است، ولی مهرالتمتع به تناسب دارایی مرد تعیین می‌شود.

۲- مهرالمثل به طور معمول در صورتی داده می‌شود که بین زن و مرد نزدیکی واقع شده باشد ولی مهرالتمتع اختصاص به نکاحی دارد که پیش از نزدیکی به طلاق منتهی شود.

۳- استحقاق زن در گرفتن مهرالمثل بعد از نزدیکی ایجاد می‌شود خواه زوجیت ادامه یابد، یا در اثر طلاق یا فوت یا فسخ نکاح منحل شود. ولی مهرالتمتع در صورتی به زن داده می‌شود که پیش از نزدیکی، مرد زن خود را طلاق دهد. پس اگر در اثر فوت یکی از زوجین یا خیار فسخ یا درخواست طلاق از طرف زن، نکاح از بین برود، زن حق مطالبه مهرالتمتع را ندارد. (دکتر کاتوزیان - حقوق خانواده ص ۱۵۱).

۱ و ۲- ماده ۱۱۰۱ تا ۱۰۷۸ قانون مدنی

۳- ماده ۱۱۰۱ تا ۱۰۷۸ قانون مدنی

ب) **تأمین هزینه‌های زندگی (نفقه)**: در مبحث گذشته شرح داده شد که در حقوق ایران، ریاست خانواده بر عهدهٔ مرد است و یکی از آثار و نتایج ریاست مرد، پرداخت هزینه‌های ادارهٔ خانواده است و این مزیتی است که قانونگذار ایرانی به پیروی از شرع مقدس اسلام برای زنان قائل شده است. قانون مدنی مقرر می‌دارد «در عقد دائم نفقه زن به عهدهٔ شوهر است^۱. یعنی وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند، مخارج زندگی زن و یا پرداخت نفقه قانوناً به عهدهٔ شوهر است. بنابراین، با توجه به اینکه پرداخت نفقه مانند مهر، جنبهٔ قانونی دارد و نه قراردادی، زن و شوهر نمی‌توانند ضمن عقد ازدواج یا پس از عقد شرط کنند که مرد نفقه نپردازد (یعنی نمی‌توانند تکلیف قانونی شوهر را ساقط کنند).

۱- **نفقه چیست؟** نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف، متناسب با وضعیت زن باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطهٔ مرض یا نقصان اعضا^۲. از آنجا که تعیین احتیاجات زندگی با توجه به تحول شیوهٔ زندگی و نیازهای تازه‌ای که هر روز در زندگی خانواده‌ها به وجود می‌آید، بسیار مشکل است، از این رو تعیین نیازهای زندگی خانواده‌ها به عرف واگذار شده است. بنابراین، در تعریف نفقه زن می‌توان گفت «تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجهٔ تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است^۳».

۲- **حدود نفقه**: از نظر قانونی، نفقه زن متناسب با وضعیت زن تعیین شده و توانایی مالی مرد در نظر گرفته نمی‌شود (البته به هنگام تعیین میزان نفقه موقع اختلاف زن و شوهر) هرچند قانون ایران فقط شوهر را عهده‌دار تأمین نیازهای زندگی می‌شناسد، لیکن با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی امروزی حتی نقش زن و مرد در خانواده تغییر کرده است. در اکثر جوامع زن نیز مانند مرد، در بیرون از خانه و یا در مزرعه و یا در خانه به فعالیت می‌پردازد و به زندگی اقتصادی خانواده کمک می‌کند. زیرا مردان به ندرت قادر به تأمین هزینه‌های سنگین زندگی هستند در نتیجه، توزیع قدرت در خانواده، بین زن و مرد تعادل بیشتری پیدا کرده است. از این رو قوانین باید منطبق با نیازهای جامعه باشد.

تذکر

سرپرست خانواده‌ای که از دفترچهٔ بیمه درمانی استفاده می‌کند می‌تواند افراد خانوادهٔ خود و در درجهٔ اول همسر خود را از مزایای این بیمه بهره‌مند سازد.

۲- ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی

۱- ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی

۳- دکتر کاتوزیان، حقوق خانواده جلد اول، ص ۱۸۷

۳- سقوط حق مربوط به گرفتن نفقه یا قطع نفقه : مرد مکلف به دادن نفقه است و زن موظف است با همسرش در یک محل زندگی کند و با او در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزندان همکاری کند و خواسته‌های مشروع همسرش را در معاشرت با دیگران بپذیرد. بنابراین، اگر زنی بدون عذر موجه از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، طبق قانون مستحق نفقه نخواهد بود^۱. چنین زنی را در اصطلاح حقوقی «ناشزه» و وضع او را «نشوز» می‌نامند.

به عبارت دیگر تکلیف مرد به دادن نفقه موکول به تمکین زن از اوست. بنابراین، عدم تمکین زن موجب سقوط نفقه می‌شود و قطع نفقه، وسیله‌ای برای وادار کردن زن به ادامه زندگی مشترک خانوادگی است. حال اگر زنی به واسطه خشونت مرد و یا رفتار ناپسند وی از ترس به خطر افتادن جان و یا شرافتش خانه مشترک همسرش را ترک کند، مستحق گرفتن نفقه خواهد بود.

۴- استنکاف شوهر از پرداخت نفقه : تکلیف شوهر به دادن نفقه زن، یک تکلیف قانونی است. بنابراین، در صورتی که شوهر از پرداخت نفقه زن علی‌رغم داشتن استطاعت مالی خودداری کند، زن می‌تواند از او شکایت کند.

در صورتی که زن با شوهر سازگاری داشته باشد و مرد هم توانایی مالی داشته باشد ولی نفقه زن را ندهد، زن می‌تواند شکایت کند و دادگاه با توجه به وضعیت زن میزان نفقه را معین کرده و شوهر را محکوم به پرداخت آن می‌کند. در صورتی که دادگاه نتواند او را مجبور به پرداخت کند، زن می‌تواند تقاضای طلاق دهد. در این حالت، ممکن است شوهر راضی به دادن طلاق نشود و یا اینکه شوهر توانایی مالی برای پرداخت نفقه نداشته باشد، که در این صورت زن می‌تواند به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را مجبور می‌کند که زن خود را طلاق دهد^۲.

در صورتی که شوهر مکلف به پرداخت مخارج خویشان دیگر مثل پدر و مادر خود باشد، نفقه زن مقدم بر نفقه آنهاست و در صورتی که شوهر ورشکسته شود، نفقه زن و فرزندان مقدم بر طلب طلبکاران است.

تذکر

ناشز : شوهری که حق ناشی از نکاح را که برای زوجه حاصل شده ایفاء نکند، ناشز گویند. این حقوق عبارت است از دادن نفقه و کسوه و حسن سلوک

۲- ماده ۱۱۱۱ و ۱۱۲۹ قانون مدنی

۱- ماده ۱۱۰۸

ج) جهیزیه : در حقوق مدنی جهیزیه عنوان خاصی ندارد، اما از قدیم‌الایام در بسیاری از خانواده‌ها مرسوم بوده است که زن در حدود امکانات مالی خود و خانواده‌اش، قسمتی یا تمام وسایل مورد نیاز زندگی را تهیه و با خود به خانه شوهر ببرد. این رسم به دلایلی متداول شده است. نخست اینکه : مردی که قصد ازدواج دارد، ممکن است در شروع زندگی جدید توانایی تهیه تمام وسایل زندگی را نداشته باشد و زن با بردن جهیزیه به خانه شوهر با نشان دادن صمیمیت خود، در تأمین رفاه خانواده همکاری و مشارکت می‌نماید.

از نظر حقوقی زن اجباری در تهیه و بردن جهیزیه به خانه شوهر ندارد، اما از نظر قانونی، مهر وجود دارد و پس از عقد ازدواج زن مالک مهر می‌شود.

اما شوهر پس از ازدواج مالک جهیزیه نمی‌شود. بلکه به‌طور متعارف می‌تواند از این وسایل استفاده کند و از منافع آن بهره‌مند شود.

زن حق دارد به هر نحوی که بخواهد در اموال خود دخل و تصرف نماید. قانون مدنی مقرر می‌دارد : «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی که می‌خواهد بکند» از نظر قانونی زن در تأمین مخارج خانواده هم مسئولیتی ندارد، اما از آنجا که در زندگی مشترک خانوادگی جدایی مالی و معنوی سبب نیستی و اختلاف می‌شود زن نیز در تأمین رفاه خانواده همراه با همسر تلاش می‌کند و زن و شوهر و فرزندان اموال خود را به‌طور مشترک مورد استفاده قرار می‌دهند.



- ۱- منابع حقوق خانواده کدام است؟
- ۲- علت دخالت دولت در تنظیم روابط زن و شوهر چیست؟
- ۳- آیا آثار ازدواج را زن و شوهر تعیین می‌کنند؟
- ۴- آیا به اراده زن و شوهر آثار ازدواج تغییر می‌کند؟
- ۵- جنبه‌های عقد ازدواج را نام ببرید.
- ۶- تکلیف شوهر در روابط مالی زن و شوهر کدام است؟
- ۷- آیا زن مسئول تأمین مخارج زندگی است؟
- ۸- در روابط غیر مالی زن و شوهر به عهده زن است و متعلق به شوهر.
- ۹- در چه صورتی زندگی زناشویی موفق است؟
- ۱۰- اساس تشکیل خانواده بر چه پایه‌ای استوار است؟
- ۱۱- تکلیف زن در مقابل شوهر چیست؟
- ۱۲- زن و شوهر چه حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر دارند؟
- ۱۳- در صورتی که زن بدون دلیل موجه از ادای وظایف زوجیت امتناع کند آیا مستحق نفقه هست یا خیر؟
- ۱۴- آموزش حقوق خانواده به منظور راهنمایی خانواده‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز با سبب جلوگیری از خواهد شد.
- ۱۵- مفهوم حسن معاشرت چیست؟
- ۱۶- کدامیک از زن و یا شوهر محل سکونت را تعیین می‌کند؟
- ۱۷- در صورتی که مرد ترک خانه و خانواده کند، تکلیف زن چیست؟
- ۱۸- برای تحکیم مبانی خانواده چه وظیفه‌ای بر عهده زن و شوهر است؟
- ۱۹- حقوق و تکالیف شوهر را نام ببرید.
- ۲۰- آثار ریاست شوهر بر خانواده را شرح دهید.
- ۲۱- در صورتی که زن ایرانی با تبعه خارجی ازدواج کند وضعیت تابعیت زن چگونه خواهد شد؟
- ۲۲- آیا حقوق اسلام استقلال مالی زن را پذیرفته است؟
- ۲۳- مهر را تعریف کنید.
- ۲۴- علت قرار دادن مهر برای زن چیست؟

- ۲۵- مشخصات مهر را نام ببرید.
- ۲۶- مفهوم «عندالمطالبه» چیست؟
- ۲۷- آیا زن می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند؟
- ۲۸- «حق حبس» را شرح دهید.
- ۲۹- شروط حق حبس را شرح دهید.
- ۳۰- اقسام مهر را نام ببرید.
- ۳۱- مهرالمسمى را تعریف کنید.
- ۳۲- مهرالمثل را تعریف کنید.
- ۳۳- برای تعیین میزان مهرالمتعه چه ضوابطی در نظر گرفته می‌شود؟
- ۳۴- برای تعیین مهرالمثل چه ضوابطی در نظر گرفته می‌شود؟
- ۳۵- آیا در صورتی که در صفحه مهر مطالبی نوشته شود زن می‌تواند از حق خود نسبت به مهرالمثل و مهرالمتعه استفاده کند؟
- ۳۶- تأمین هزینه‌های زندگی مشترک خانوادگی بر عهده کیست؟
- ۳۷- نفقه چیست؟
- ۳۸- ناشزه کیست؟
- ۳۹- تکلیف شوهر به دادن نفقه زن اختیاری است یا قانونی؟
- ۴۰- در صورتی که زن به علت عدم تأمین جانی و یا رفتار ناپسند همسر خانه مشترک همسرش را ترک کند، مستحق نفقه است یا خیر؟
- ۴۱- در صورتی که مردی از پرداخت هزینه‌های زندگی علیرغم توانایی مالی خودداری کند تکلیف زن چیست؟
- ۴۲- نفقه زن و فرزندان در صورت شوهر مقدم بر است.
- ۴۳- زن و یا شوهر از همسری که کرده است می‌برد.
- ۴۴- زن می‌تواند در صورت فوت شوهر از شوهر استفاده کند.
- ۴۵- در صورت فوت شوهر زن باید نگهدارد.
- ۴۶- آیا زن می‌تواند در اموال خود دخل و تصرف کند؟
- ۴۷- آیا بردن جهیزیه به خانه شوهر یک وظیفه قانونی است؟
- ۴۸- آیا جهیزیه در مقابل مهر است؟